



صفحه‌های ۱۲ و ۱۳ کتاب درسی

املا و واژه آموزی

۱ از بین واژه‌های زیر آن‌هایی را که باهم ارتباط دارند، در یک گروه قرار دهید.

تعلیم - فکر - تعلیمات - معلومات - تفکر - متفکران - افکار - معلمان

الف ← فکر، تفکر، افکار، متفکران (فکر)

ب ← تعلیم، تعلیمات، معلومات، معلمان (علم)

۲ مانند نمونه، واژه‌ها را کنار هم قرار دهید و هر تعداد که می‌توانید، واژه‌ی جدید بسازید و در جدول بنویسید.

اخلاق	نیکو	پسندیده	آفرینش	نیک
آداب	شناخت	رفتار	خالق	زیبایی‌های

اخلاق نیکو - اخلاق پسندیده - آداب رفتار - رفتار پسندیده - خالق زیبایی‌های آفرینش - رفتار نیکو  
 اخلاق نیک - رفتار نیک - شناخت اخلاق پسندیده - شناخت زیبایی‌های آفرینش.

۳ الف) سه حرف مشترک واژه‌های هر گروه را بنویسید.

واژه‌ها	حروف مشترک
حافظ - محفوظ - حفاظت	حفظ
مقصود - مقاصد - مقصد	قصد
تحصیل - حاصل - محصول	حصل

ب) برای هر گروه از واژگان، دو هم‌خانواده‌ی دیگر بنویسید.

محافظ	محفظه
قصد	قاصد
حصول	محصل



۴ متن زیر را با یکی از کلمات (از، به، در، با) کامل کنید.

چلچله‌ی خوش‌آواز در آسمان به پرواز در آمد. به ابر سلام کرد. از کنار خورشید گذشت و به او لبخند زد. با باد هم‌نوا شد. به زمزمه‌ی آب گوش فرا داد و چهره‌ی زیبای خود را در آن مشاهده کرد. چلچله می‌دانست که چگونه از این همه زیبایی لذت ببرد.

## کارگاه نویسندگی

۱ به جای واژگان مشخص شده، واژه‌های دیگری قرار دهید و جمله‌ها را بازنویسی کنید.

الف) هیچ چیز نمی‌تواند اثر محبت را از بین ببرد. مهربانی - مهر

ب) ببرسیم و از هیچ چیز نهراسیم. نترسیم - بیم نداشته باشیم

پ) هرکسی شخصیت خود را در رفتار و عمل خویش نمایان می‌کند. آشکار - هویدا

۳ ضرب‌المثل «از تو حرکت، از خدا برکت» را در یک بند توضیح دهید.

انسان باید برای رسیدن به اهدافش تلاش کند. نشستن و امید بستن به رحمت خدا بدون تلاش و کوشش پسندیده نیست. اگر انسان برای هدفش تلاش کند و در عین حال به لطف خدا امید داشته باشد، می‌تواند یقین کند که خداوند او را یاری خواهد کرد و وسایل و ابزار مورد نیازش را فراهم می‌کند.

## درک متن

۱ الف) جمله‌های زیر را با دقت بخوانید و به ترتیب درست، شماره‌گذاری کنید.

۶ مرد نگاهی به نانوا انداخت و گفت: «نان نیست، جان است برادر!»

۷ مرد گرسنه با دست نانی را نوازش کرد و گفت: «ای مرد، چقدر می‌گیری که مرا از این نان‌ها سیر کنی؟»

۱ روزی روزگاری مردی خسته و مانده، تشنه و گرسنه به شهری رسید.

۱۲ این شد که گفت: «سگه‌ای بده و هر چه که می‌خواهی از این نان‌ها بخور!»

۵ «چه خواهی مرد؟ این‌ها که می‌بینی نان است، نه چیز دیگر!»

۹ نانوا لبخندی زد و گفت: «سگه‌ای بده و نان بخر و بخور. نوش جان!»

۳ او با دیدن نان‌های تازه آب دهانش سرازیر شد.

۱۰ طوری حرف می‌زدی که گویی سال‌هاست نان ندیده‌ای.

۱۱ نانوا به او خیره شد و با خودش گفت: «این مرد هر چه پر خور و گرسنه باشد، بیش‌تر از چند نان نمی‌تواند بخورد.»

۸ روزهاست که نان ندیده‌ام؛ ولی نان‌های تو از آن نان‌هاست که خوردن دارد.



۲ از آن جا که خیلی گرسنه بود، جلوی دکان نانوايي ایستاد.

۱۳ مرد با خوشحالي سگه‌اي به نانوا داد و شروع به خوردن کرد.

۴ نانوا که مرد گرسنه را دید، پرسید:

ب) پس از مرتب کردن جمله‌ها، دو سؤال طرح کنید و پاسخ آنها را بنویسید (سعی کنید سؤال‌ها با توجه به مفهوم کلی متن باشد).

الف) منظور مرد از گفتن «نان نیست، جان است برادر!» چه بود؟ نان‌ها برای مرد گرسنه، مانند جان حیات بخش بود و چون خیلی گرسنگی کشیده بود، نان‌ها را مانند جان عزیز می‌دانست.

ب) چرا در انتهای داستان نانوا راضی می‌شود در ازای یک سگه اجازه دهد مرد هر چه نان می‌خواهد بخورد؟ نانوا با خود فکر کرد مرد بیش از چند نان نمی‌تواند بخورد. پس به او اجازه داد هر چه می‌خواهد نان بخورد.



صفحه ۱۸ کتاب درسی






### هنر و سرگرمی

۲ با توجه به جدول الف، حروف را جایگزین نمادها کنید و واژه‌های به دست آمده را بنویسید.







الف)

نگارش









ا	د	ر	ن	ت	ی	ص	ش	پ	ف	س	خ
											

				
ت	ی	ص	خ	ش

← شخصیت

					
ش	ن	ی	ر	ف	ا

← آفرینش

							
ی	ر	ا	د	س	ا	پ	س

← سپاس‌داری